

شناسایی مشکلات مربوط به روابط معلم-دانش آموز از دیدگاه معلمان دوره ابتدایی: یک مطالعه پدیدارشناسی

عطا الله آزاده^۱، رزگار محمدی^۲

^۱ کارشناس ارشد آموزش ابتدایی، گروه علوم تربیتی، واحد سقز، دانشگاه آزاد اسلامی، سقز، ایران

^۲ گروه علوم تربیتی، واحد سقز، دانشگاه آزاد اسلامی، سقز، ایران

نویسنده مسئول:

رزگار محمدی

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای (سال پنجم)
شماره ۱۶ / تابستان ۱۳۹۸ / ص ۱۵۵-۱۳۷

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی مشکلات مربوط به روابط معلم-دانش آموز از دیدگاه معلمان دوره ابتدایی شهر سقز انجام گرفت. این پژوهش به روش کیفی پدیدارشناسی انجام گرفت. جامعه آماری شامل کلیه معلمان ابتدایی شهر سقز بود. نمونه پژوهش شامل ۱۲ نفر از معلمان ابتدایی شهر سقز بود. به منظور گردآوری داده‌های پژوهش از مصاحبه نیم‌ساختاریافته استفاده شد. مصاحبه‌ها تا اشباع نظری ادامه یافت و در مصاحبه شماره ۱۲ اشباع نظری حاصل شد و مصاحبه دیگری صورت نگرفت. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل محتوای کیفی استفاده شد و به منظور کدگذاری از شیوه کدگذاری باز، محوری و منتخب استفاده شد. نتایج تحلیل مصاحبه‌ها نشان‌دهنده ۱۶ کد محوری و ۶ کد منتخب بود. از دیدگاه معلمان مدیریت کلاس درس (تبعیض بین دانش‌آموزان، نحوه اداره کلاس درس، سبک‌های تدریس معلم، توجه معلم به دانش‌آموز، وجود فاصله بین معلم و دانش‌آموزان)، فضای فیزیکی و آموزشی (مناسب نبودن منابع آموزشی، فضای فیزیکی نامناسب کلاس درس)، مشکلات فردی دانش‌آموزان (انگیزه پایین دانش‌آموزان، اعتماد به نفس پایین دانش‌آموزان)، نظام کلی آموزشی (مسائل مربوط به نظام آموزشی)، مشکلات مربوط به والدین (روابط مدرسه و خانواده، عدم آگاهی والدین از فرایند صحیح آموزش، پیش‌داوری‌های والدین از معلم و مدرسه) و مشکلات مربوط به معلم و کادر مدرسه (کمبود دانش و تجربه معلم، مشکلات فردی معلم، عدم هماهنگی معلم و کادر مدرسه) به عنوان مؤلفه‌های مشکلات روابط معلم-دانش آموز می‌باشند.

واژگان کلیدی: روابط معلم-دانش آموز، پدیدارشناسی، معلمان ابتدایی

مقدمه

نظام آموزش و پرورش در جوامع مختلف مسئولیت انتقال هنجارها و نگرش‌های خاص به فراگیران خود را به عهده دارد. دانش‌آموزان در طی یک دوره نسبتاً طولانی مدتی که در مدرسه حضور دارند در معرض انواع برنامه‌های آشکار^۱ و پنهان^۲ نظام آموزشی قرار دارند، در نگاه نخست آنچه به ذهن متبادر می‌شود و از دستگاه آموزش و پرورش نیز انتظار می‌رود این است که این دستگاه یکی از کارگزاران جامعه-پذیری در دوران کنونی به شمار می‌آید. به قول آلتوسر^۳ (۱۹۷۹) این دستگاه ابزاری برای آموزش و پرورش نیروهای لازم برای بخش‌های مختلف کار در جامعه تلقی می‌شود (به نقل از حاضری و رضای، ۱۳۹۲). در واقع بروندهای دانش‌آموزان در نتیجه روابط علت و معلولی ساده به وجود نمی‌آید، بلکه به نظر می‌رسد حاصل تعاملات منظم عوامل فردی (ویژگی‌های دانش‌آموزان) و بافتی (ویژگی‌های محیط آموزشی) است. بنابراین می‌توان گفت که موفقیت دانش‌آموزان در فعالیت‌های آموزشی تحت تأثیر تفاوت‌های فردی آنان و پیام‌هایی که از بافت آموزشی ادراک می‌کنند قرار دارد (متقی و همکاران، ۱۳۹۳).

ارتباط میان فردی را می‌توان به عنوان فرایندی تعاملی که در جریان آن دو نفر پیام‌هایی را ارسال و دریافت می‌کنند، توصیف کرد که در این فرآیند، دادن و گرفتن و عنصر اطلاعات و رابطه همیشه با هم هستند (برکو و همکاران^۴، ۱۳۸۲). به عبارتی می‌توان گفت در ارتباطات میان فردی، ارتباط بین دو نفر یا بیشتر است که در آن هر طرف به عنوان فرد یا افراد شرکت می‌کند تا به عنوان یک موضوع (رابینزو دی سنزو^۵، ۱۳۹۶). ارتباطات میان فردی همچون اشکال دیگر رفتار انسان‌ها می‌تواند در دو حد غایی بسیار اثربخش و بسیار غیراثربخش مطرح شود. به احتمال بسیار فراوان، هیچ رفتار متقابل انسانی نمی‌تواند کاملاً موفقیت‌آمیز و یا کاملاً با شکست و ناکامی همراه باشد (فرهنگی، ۱۳۸۲).

اگر رابطه نباشد، آموزش معنی ندارد. معلمان در همان آغاز کار، متوجه می‌شوند که یکی از اولین و مهمترین مسائل، نحوه برقراری ارتباط با دانش‌آموز است (اسپالدینگ^۶، ۱۳۷۳). مسلم است که چگونگی کیفیت رابطه معلم و دانش‌آموز تا حد زیادی روی یادگیری او تأثیر می‌گذارد. به عنوان دانش‌آموز، وقتی معلمان خود را دوست می‌داشتیم یا به آن‌ها عشق می‌ورزیدیم، در خواندن درس‌هایشان سعی و تلاش بیشتری می‌کردیم و بیشتر یاد می‌گرفتیم (زندى، ۱۳۸۲). این مهم است که دانش‌آموزان نظر مثبتی نسبت به معلمانشان داشته باشند، چرا که رهبری معلمان در کلاس درس اثر زیادی در ایجاد محیط آموزشی مؤثر دارد و کیفیت رفتار میان فردی معلم و ارتباط با دانش‌آموزان نشانه‌ای است از کیفیت رهبری در کلاس درس. معلمان همیشه به قدری مشغول تدریس هستند که فرصتی برای مشاهده جزئیات صعود و نزول درگیری دانش‌آموز ندارند. رفتار میان فردی معلم و خوب بودن او جنبه‌های مهم از محیط کلاس هستند. معلمان برای بهینه کردن شرایط محیط، می‌بایستی تلاش کنند تا محیط یادگیری قوی ایجاد کنند. ممکن است معلمان قادر به ایجاد محیط کلاسی مطلوب‌تری باشند؛ محیطی موافق که از طریق روابط میان فردی مثبت شناسایی شده باشد که در آن هر فردی احساس خوبی داشته باشد. دانش‌آموزان معلمانی را ترجیح می‌دهند که گرم و دوستانه باشد. مهم‌تر از آن روابط مثبت معلم و دانش‌آموز که در آن معلمان از مهارت‌های خاصی استفاده می‌کنند، با واکنش‌های مثبت دانش‌آموزان به مدرسه و دستیابی‌های درسی بیشتر در ارتباط است. توانایی‌های معلم که توسعه، روابط انسانی صحیح با دانش‌آموزان را ممکن می‌کند و نیز ظرفیت او برای ایجاد کلاسی دموکراتیک و موافق، خصوصیت‌های مهمی برای تدریس کارآمد هستند (شاهورانی و همکاران، ۱۳۸۸).

روابط نزدیک با معلم‌ها، رشد اجتماعی-عاطفی سالمی را به وجود می‌آورد و همچنین منجر به سازگاری با مدرسه و موفقیت در مدرسه می‌شود و روابط منفی منجر به نتایج نامطلوب از جمله مشکلات رفتاری، تنفر از مدرسه، مشکلات سازگاری می‌شوند (پیانتا، نیمتز و بنت^۷، ۱۹۹۷). نکته‌ی حائز اهمیت این است که پژوهش‌هایی که اخیراً رابطه دانش‌آموز-معلم را با خطر ترک تحصیل دانش‌آموزان در حال ورود به دوره

^۱ explicit curriculum^۲ hidden curriculum^۳ Althusser^۴ Berko^۵ Robbins & DeCenzo^۶ Spalding^۷ Pianta, Nimetz & Bennett

دبیرستان را بررسی کرده‌اند رابطه مستقیمی بین ارتباط دانش آموز-معلم و خطر ترک تحصیل نیافته‌اند اما بین پیشرفت و عملکرد تحصیلی با ارتباط دانش آموز-معلم رابطه قدرتمندی پیدا کرده‌اند (لسارد، پویریر و فورتین^۸، ۲۰۱۰) تجربه هیجانات مثبت نقش مهمی را در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ایفا کرده و تأثیرات قابل ملاحظه‌ای در موفقیت نهایی دانش‌آموز دارد.

به طور کلی، پژوهش در مدارس تأکید می‌کنند که ارتباط خوب و گفتگو بین معلم و دانش‌آموزان، آگاهی بیش‌تر از وضعیت دانش‌آموزان، نیازهایشان و پتانسیل‌هایشان را پرورش می‌دهد و همچنین امکانات را برای اهداف آموزشی فردی بهبود می‌بخشد (برگ^۹، ۲۰۰۷ به نقل از اتوسن، گل و سورلی^{۱۰}، ۲۰۱۷). همچنین، ارتباط خوب معلم-دانش‌آموز رشد شخصی دانش‌آموزان و هویت‌یابی را تقویت می‌کند (نورداهل^{۱۱}، ۲۰۱۰؛ وانیل و ویلیام^{۱۲}، ۲۰۱۱) و خطر ترک تحصیل را هنگامی که دانش‌آموزان احساس می‌کنند که همکاری مشارکتی با معلم و مدرسه وجود دارد، کاهش می‌دهد (کریستینسون و زورلاو^{۱۳}، ۲۰۰۴). رابطه خوب معلم-دانش‌آموز برای دانش‌آموزانی که دارای جایگاه اقتصادی نامساعدی هستند، دانش‌آموزانی که از لحاظ تحصیلی دارای عملکرد پایینی هستند و دانش‌آموزانی که از لحاظ ناسازگاری تحصیلی در خطر هستند بسیار مهم می‌باشد. به منظور اینکه معلمان در بهترین موقعیت نسبت به نیازهای یادگیری دانش‌آموزان باشند، تأکید شده است که آن‌ها مجبورند توانایی مراقبت از دانش‌آموزان را از خود نشان دهند و اینکه آن‌ها به طور فعال و شورانگیزی به تدریس و یادگیری حمایتی متعهد هستند (هاتی^{۱۴}، ۲۰۰۹). این دلالت می‌کند بر اینکه یک معلم خوب توانایی سازگار شدن با دیدگاه هر یک از دانش‌آموزان را دارد و آموزش معنی‌دار را برای پیشرفت در یک موضوع خاص و در جهت تحقق اهداف برنامه هدایت می‌کند (اتوسن، گل و سورلی، ۲۰۱۷).

روابط بین معلم و دانش‌آموز اصلی‌ترین فعالیتی است که در کلاس درس انجام می‌شود به گونه‌ای که بخش عمده زمان کلاس در فراگرد روابط معلم با دانش‌آموزان صرف می‌شود و بخش عمده یادگیری‌ها و آموزش‌های کلاسی از طریق روابط صورت می‌گیرد. در واقع روابط بین معلم و دانش‌آموز نه تنها در خدمت تحقق هدف‌های آموزشی است بلکه به عنوان مکانیزمی عمل می‌کند که از طریق آن معلم و دانش‌آموزان اهداف شخصی و اجتماعی خود را نیز تشخیص می‌دهند. با توجه به موقعیت و جایگاه آن‌ها در نظام آموزشی انتظار نوعی رابطه خاص از آن‌ها می‌رود. این رابطه مبتنی بر احترام، اعتماد، شناخت متقابل، نگرش مثبت به هم و ... است (محسنیان‌راد، ۱۳۸۸). برای مثال اگر معلم در کلاس درس طوری رفتار کند که آزادی نسبی و فرصت کافی در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد، تلاش، توانایی و حس اعتماد به نفس در آن‌ها تقویت می‌شود، و یا اگر تنها نظرات خودش را محور قرار دهد و با روحیه سلطه‌گری برخورد نماید، گرایش به سلطه‌گری را در دانش‌آموزان پرورش خواهد داد. ژيرو^{۱۵} (۱۹۸۳) نیز سبک زبانی معلم و به کارگیری آن را از عناصر برنامه درسی پنهان به شمار آورده است (به نقل از حاضری و رضاپور، ۱۳۹۲).

پژوهش‌های مختلفی در زمینه ارتباط معلم-دانش‌آموز انجام گرفته است. اتوسن، گل و سورلی (۲۰۱۷) در پژوهشی کیفی نشان دادند که روابط معلم-دانش‌آموز با ترک تحصیل دانش‌آموزان رابطه دارد. همچنین، آن‌ها اشاره می‌کنند که، راهنمایی بهتر در مورد انتخاب‌های تحصیلی، برنامه‌های مطالعه متناسب با علایق دانش‌آموزان و درگیر شدن فعال در این امر می‌تواند مانع ترک تحصیل شوند. نتایج پژوهش کلاسنس^{۱۶} و همکاران (۲۰۱۷) نشان داد که معلمان، غالباً، کیفیت رابطه را با سطح صمیمیت و همدلی (دوستانه در مقابل خصومت‌آمیز)، به جای سطح تسلط (در کنترل داشتن در مقابل عدم قدرت) تعریف می‌کنند. تجزیه و تحلیل رفتار دانش‌آموز و معلم یک الگوی تعاملی دوستانه را برای روابط مثبت و یک الگوی خصومت‌آمیز را برای روابط مشکل‌دار نشان داد.

^۸ . Lessard, Poirier & Fortin

^۹ . Berg

^{۱۰} . Ottosen, Goll & Sorlie

^{۱۱} . Nordahl

^{۱۲} . Whannell & William

^{۱۳} . Christensson & Thurlow

^{۱۴} . Hattie

^{۱۵} . Giroux

^{۱۶} . Claessens

سو^{۱۷} (۲۰۱۶) به بررسی دیدگاه معلمان در مورد روابط معلم-دانش آموز و مدیریت کلاس درس پرداخت. نتایج مصاحبه‌ها باعث شناسایی شدن چهار تم شد: (۱) ادراک مشارکت کنندگان از مدیریت کلاس درس مثبت شامل درگیر بودن و اشتیاق دانش‌آموزان در کلاس درس بود، که این خود از طریق کلاس درس فعال نمود پیدا می‌کرد؛ (۲) مشارکت کنندگان به اهمیت ارتباط با دانش‌آموزان هم در کلاس درس و هم خارج از کلاس درس تأکید کرده بودند؛ (۳) معلمان تشخیص می‌دهند که همدلی دانش‌آموزان نسبت به معلمان و همسالان آن‌ها نتیجه ساختن روابط قوی است؛ (۴) شرکت کنندگان از محدودیت‌ها و چالش‌های رویکرد ایجاد روابط در تحقق بخشیدن مدیریت کلاس در استفاده می‌کردند. بیگ^{۱۸} (۲۰۱۴) در پژوهشی کیفی نشان داد که در مناطق فقیر و در خانواده‌های ضعیف، پیشرفت تحصیلی و نیز کسب رفتارهای جامعه‌پسند چندان مورد حمایت قرار نمی‌گیرد؛ وی در ادامه بر نقش معلمان و نیز کارکنان مدارس بر تعامل مثبت با این گروه از دانش‌آموزان جهت ارتقای مهارت‌های جامعه‌پسند و نیز پیشرفت تحصیلی تأکید می‌کند. نوئل^{۱۹} (۲۰۱۲) نشان داد که دانش‌آموزان درک مطلوبی از روابط خود با معلمانشان دارند و شخص معلم است که بر درک دانش‌آموزان از این روابط تأثیر دارد. از دیدگاه دانش‌آموزان ویژگی‌های معلم شامل: حس شوخ‌طبعی؛ کمک مداوم (همراه با انتظارات بالا)؛ شنیدن فعال؛ ارزش قرار دادن برای گروه و فرد؛ گنجاندن بازی در یادگیری؛ و استفاده از تشویق کلامی و نوشتاری بودند. نتایج ربانی (۱۳۸۹) نشان داد که از نظر معلمان و دانش‌آموزان بین تحقیر دانش‌آموزان توسط معلم، اعمال رویه‌های انضباطی نامطلوب، مشارکت ندادن دانش‌آموز در فعالیت‌های کلاس و مدرسه، اقتدارگرایی معلم، برخورد جانبدارانه معلم و عدم رعایت تفاوت‌های فردی توسط معلم تفاوت معناداری وجود دارد.

با توجه به اینکه دانش‌آموزان بخش زیادی از زمان حضور در مدرسه را در کلاس درس و با معلم سپری می‌کنند و بسیاری از مشکلات به وجود آمده در ارتباط معلم و دانش‌آموز نیز در کلاس درس رخ می‌دهد، از معلمان می‌توان انتظار داشت که به زیر و بم‌های مشکلات آشنا بوده و بتوانند برای آن‌ها راه‌حل‌های مختلفی ارائه دهند. بنابراین هدف از انجام این پژوهش بررسی مشکلات مربوط به روابط بین معلم و دانش‌آموزان و ارائه الگوی مناسب از دیدگاه معلمان می‌باشد. بنابراین، می‌توان گفت که روابط بین معلم - دانش‌آموز می‌تواند جنبه‌های گوناگونی داشته باشد و این روابط می‌تواند شامل روابط مطلوب و نامطلوبی باشد. از آنجایی که بیش‌تر مطالعات انجام شده در این حوزه به صورت کمی به روابط بین معلم و دانش‌آموز پرداخته‌اند، در این پژوهش می‌خواهیم با روش کیفی و به صورت عمیق به سؤال زیر پاسخ دهیم:

- از دیدگاه معلمان مؤلفه‌های مشکلات روابط معلم-دانش‌آموزان کدامند؟

روش

باتوجه به عنوان و هدف پژوهش، این پژوهش در شمار پژوهش‌های کیفی پدیدارشناسانه^{۲۰} قرار می‌گیرد. پدیدارشناسی یکی از رویکردهای پژوهش کیفی با ریشه‌های فلسفی متمرکز بر تجارب زندگی انسان‌ها است. به بیانی ساده پدیدارشناسی توأمان فلسفه و روشی است که به بررسی ماهیت یا ذات پدیده‌ها می‌پردازد (محمدپور، ۱۳۹۰). پدیدارشناسی به مطالعه پدیدارها می‌پردازد، که در آن چگونگی پدیدار شدن چیزها برای افراد یا چگونگی تجربه کردن پدیده‌ها توسط افراد را مورد مطالعه قرار می‌دهد (دانایی‌فرد و کاظمی، ۱۳۹۰).

میدان پژوهش مدارس ابتدایی شهر بود. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند و مشارکت کنندگان با روش گلوله برفی^{۲۱} دعوت شدند. در این پژوهش پس از بررسی نظرات ۱۲ معلم ابتدایی، که شامل ۶ معلم زن و ۶ معلم مرد می‌باشد، داده‌ها به حد اشباع رسیدند و عمل نمونه‌گیری ادامه نیافت. برای گردآوری داده‌های پژوهش از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته^{۲۲} استفاده شد تا شرکت کننده دیدگاه خود را نسبت به موضوع، آن‌طور که تجربه کرده، با استفاده از زبان و لغات خود تشریح کند. به این منظور، یک پروتکل مصاحبه شامل سؤال‌هایی که مدنظر پژوهشگر بود تا از مصاحبه شونده پرسیده شود، آماده شد. علاوه بر پروتکل موجود مصاحبه‌گر سعی می‌کرد در جریان مصاحبه از

^{۱۷} . Soo

^{۱۸} . Biag

^{۱۹} . Knoell

^{۲۰} . Phenomenology

^{۲۱} . Snowball

^{۲۲} . semi-structured interview

سؤالات کاوشی از قبیل «مثال بزنید، می‌توانید بیش‌تر توضیح دهید، آیا منظورتان این است و...» استفاده کند. در شروع هر مصاحبه یا قبل از آن، شرکت کنندگان با هدف پژوهش آشنا شدند. در این پژوهش برای ارزیابی داده‌های پژوهشی، از معیارهای روایی (مصاحبه‌های مداوم و ارتباط مستمر با اطلاع‌رسان‌ها در طول زمان و مرور دست نوشته‌ها، مقوله‌ها و نتایج از جانب مشارکت کنندگان در پژوهش) و اعتبار^{۲۳} (سعی شده است تا تمامی مراحل کار به روشنی بیان شوند تا امکان قضاوت توسط استاد راهنما و مشاور و همچنین جامعه علمی ذیربط فراهم شود) استفاده شد. داده‌های کیفی در این پژوهش در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی (منتخب) مورد تحلیل قرار گرفت (کرسول، ۱۳۹۲).

یافته‌ها

با توجه به دیدگاه معلمان عوامل زیر به عنوان مؤلفه‌های مشکلات روابط معلم-دانش‌آموز در کلاس درس شناسایی شدند:

الف) مدیریت کلاس درس: براساس دیدگاه مشارکت کنندگان پژوهش، در زمینه مشکلات ارتباط معلم-دانش‌آموز عواملی وجود دارند که تحت عنوان مدیریت کلاس درس دسته‌بندی شدند این عوامل شامل: تبعیض قائل شدن بین دانش‌آموزان، نحوه اداره کلاس درس، روش-های تدریس معلمان، توجه معلم به دانش‌آموز و وجود فاصله بین معلم و دانش‌آموز می‌باشند.

۱- تبعیض قائل شدن بین دانش‌آموزان: وجود تبعیض در کلاس درس می‌تواند مانعی در ارتباط مؤثر بین معلم و دانش‌آموز باشد. دانش‌آموزان در این سنین می‌توانند رفتار متفاوت معلمانشان را نسبت به آن‌ها یا سایر دانش‌آموزان تشخیص دهند. چنین رفتارهای تبعیض‌آمیزی می‌تواند باعث لج کردن دانش‌آموزان با معلم یا حتی رفتار نامناسب با دانش‌آموزی که معلم به دلایلی به او توجه بیش‌تری دارد می‌شود.

«من خودم نوه‌ی یکی از همکارانمون دانش‌آموزم بود در کلاس نمی‌تونستم به هیچ یک از دانش‌آموزا چیزی بگم فوراً برمی‌گشتن می‌گفتن خانم معلم شما به فلانی هیچی نمی‌گید فقط به ما می‌گید چون اون دختر خانم مدیره. طوری شده بود که با این دانش‌آموز لج کرده بودن و ازش خوششون نمی‌اومد فقط به خاطر اینکه فکر می‌کردن که چون اون نوه خانم مدیره برخورد من با هاشون متفاوت» (م.ش، ۱۰).

۲- نحوه اداره کلاس درس: از دیدگاه معلمان نحوه اداره کلاس درس معلم می‌تواند در ارتباط بین معلم و دانش‌آموز مشکل ایجاد کند. چنانچه معلم در کلاس خود و در ارتباط با دانش‌آموزان دارای سبک مدیریت کلاس نباشد و برای او مشخص نباشد از چه سبک مدیریت کلاسی استفاده می‌کند، باعث سردرگمی و ابهام در رابطه با دانش‌آموزانش می‌شود. این امر باعث می‌شود که معلم یا از سبک‌های سخت‌گیرانه برای کنترل و ایجاد نظم و انضباط در کلاس درس استفاده کند و یا به دانش‌آموزان بی‌توجهی نشان دهد.

«بعضی از معلمها هستن که دانش‌آموزا در کلاسشون اجازه هیچ کاری ندارن، با کوچک‌ترین حرکتی با اونها برخورد می‌شه. این معلمها به شدت سخت‌گیرن و نحوه ارتباط با دانش‌آموزان رو یاد نگرفتن. بالعکس این معلمها هم وجود داره. معلمانی که کلاً بی‌خیال کلاس میشن و دانش‌آموزا رو به حال خودشون رها می‌کنن، بعد خودشون یا سرشون تو گوشیه یا میرن بیرون کلاس و با همکاران دیگه صحبت می‌کنن» (م.ش، ۱).

۳- روش‌های تدریس معلمان: عدم استفاده از روش‌های فعال تدریس و مشارکت ندادن دانش‌آموزان در فرایند تدریس و استفاده از روش‌های سنتی در تدریس می‌تواند از مشکلات روابط معلم-دانش‌آموز در کلاس درس باشد. این امر باعث می‌شود که معلمان از توجه به حل مسئله نیز غافل شوند. هم‌چنین، معلمان اشاره می‌کنند که عدم توجه به فرایندها و نتایج تدریس از طرف برخی از معلمان باعث می‌شود که ارتباط بین معلم به خوبی شکل نگیرد.

«متأسفانه در بین ما معلمان چون تنها یاد گرفتیم تدریس کنیم و کاری به فرایند و در نهایت نتایج کارمون نداشته باشیم بعدها هم اگه کسی از ما پرسید که چرا فلان دانش آموز خوب نشده معلم میگه من که کار خودم رو کردم و زحمت خودم رو کشیدم و خود دانش آموز درسش رو نخونده ... اگر دانش آموز به سمت حل مسئله نره مشکل به وجود میاد، اگر دانش آموز رو در کل فرایند تدریس شریک نکنیم و اونو گوشه‌ای بزاریم و کاری باهاش نداشته باشیم باز مشکل به وجود میاد» (م.ش، ۱۲).

۴- **توجه معلم به دانش آموز:** از دیدگاه معلمان توجه به نیازهای دانش آموزان از دیگر مشکلات ارتباط معلم و دانش آموزان است. اینکه معلم در زمان مواجهه دانش آموز با مشکل نتواند مشکل را تشخیص دهد و به حل آن بپردازد، موجب می شود در دانش آموز این احساس به وجود بیاید که معلم به او توجهی ندارد و نمی تواند در مواقع ضرورت به او کمک کند و در نتیجه دانش آموز در ارتباط با او احساس دلسردی می کند. معلم تنها وظیفه خود را این می داند که در کلاس درس حاضر شود و مطالبی را که در کتابهای درسی آمده است را به دانش آموزان ارائه دهند، خواه آن ها یاد بگیرند خواه یاد نگیرند؛ انگیزه داشته باشند یا نداشته باشند و ... از این رو خود را مسؤول یادگیری و یا عدم یادگیری دانش آموزان نمی دانند و معتقدند که آن ها کار خود را انجام دادند و این دانش آموز است که کم کاری کرده است.

«یکی از اساسی ترین مشکلات اینه که معلم خود رو مسئول مشکلاتی نمیدونه که در کلاسش وجود داره تنها به صرف اینکه تدریسش رو انجام داده به دانش آموز پشت می کنه و فکر میکنه که تمومه و کار دیگه ای لازم نیست انجام بده» (م.ش، ۱۲).

مصاحبه شونده شماره ۱ نیز «عدم توجه به نیازهای دانش آموزان» و «تشخیص ندادن به موقع مشکل دانش آموزان و حل نکردن به موقع آن» را از موانع ارتباط معلم و دانش آموزان می داند.

۵- **وجود فاصله بین معلم و دانش آموز:** گاهی اوقات دانش آموز و معلم در برقراری ارتباط با هم تعارف می کنند و یا مقاومت نشان می دهند. این مقاومت و تعارف بین معلم و دانش آموز باعث می شود به برقراری ارتباط معلم و شاگردی در کلاس درس ضربه وارد شود و از یک طرف، معلم از دانش آموزانش شناخت کافی پیدا نمی کند و از طرف دیگر دانش آموز نمی تواند خود را در کلاس نشان دهد و یا خودش را برای معلم بیان کند. مصاحبه شونده شماره ۱ «نبود رابطه دوستانه بین معلم و دانش آموز» را به عنوان یکی از مشکلات روابط معلم و دانش آموز ذکر می کند.

«چند سال قبل دانش آموز کلاس اولی داشتم که یک ماه تمام نه اون به من جواب داد و نه من به حرف او گوش می کردم، به طوری که حتی مداد هم دستش نمی گرفت خیلی دلسرد بود تا اینکه یک روز، که می تونم بگم شانسی بود، خود به خود بی اینکه من بفهم مدادش رو گرفته بود دستش و خط کوچکی کشید. منم همین که این خط کوچک رو دیدم اونو خیلی تشویق کردم و بهش گفتم که تو این خط رو کشیدی و چطوری کشیدی و از این حرفا. این حرفا رو خیلی دوست داشت و گفت این که چیزی نیست یکی دیگه هم می کشم، کم کم علاقه پیدا کرد» (م.ش، ۶).

جدول ۱: کدهای مشکلات روابط معلم-دانش آموز با توجه به مدیریت کلاس درس معلمان

کدهای باز	کد محوری	کد انتخابی
تفاوت قائل شدن بین دانش آموزان؛		
تبعیض بین دانش آموزان؛	تبعیض بین دانش آموزان	
برخورد و رفتار متفاوت با دانش آموزان		
نبودن مدیریت معلم در کلاس درس؛		
برقراری نظم و انضباط در کلاس درس؛	نحوه اداره کلاس درس	
توجه نکردن به حل مسئله دانش آموزان؛		
عدم مشارکت دانش آموزان در فرایند تدریس؛	سبک های تدریس معلم	
عدم توجه به فرایند و نتایج تدریس از طرف معلم؛		
عدم مسئولیت پذیری معلم برای یادگیری دانش آموزان؛		
عدم توجه به نیازهای دانش آموزان؛		
عدم توجه به دانش آموزان؛		
عدم توجه به روحیات دانش آموزان؛	توجه معلم به دانش آموز	
تشخیص ندادن به موقع مشکل دانش آموزان و حل نکردن به موقع آن؛		
نبود رابطه دوستانه بین معلم و دانش آموز؛		
عدم علاقه معلم و دانش آموز به برقراری ارتباط؛	وجود فاصله بین معلم و دانش آموزان	
عدم رابطه صمیمی بین معلم و دانش آموز؛		

۳
۲
۱
۳
۲
۱

ب) فضای فیزیکی و آموزشی: براساس دیدگاه مشارکت کنندگان پژوهش، در زمینه مشکلات ارتباط معلم-دانش آموز عواملی وجود دارند که تحت عنوان فضای فیزیکی و آموزشی دسته بندی شدند. این عوامل شامل مناسب نبودن منابع آموزشی و فضای فیزیکی کلاس درس می-باشند.

۱- مناسب نبودن منابع آموزشی: مناسب نبودن منابع آموزشی از جمله عوامل مختل کننده ارتباط بین معلم و دانش آموز در نظر گرفته می شود که خود می تواند شامل موارد بسیاری باشد. از نظر برخی از معلمان حجم زیاد کتاب های درسی مانع از برقراری ارتباط بین معلم و دانش آموز می شود. معلم تنها در فکر این است که در زمان مقرر کتاب ها را به پایان برساند و دانش آموز هم در تلاش برای به

یادسپاری و حفظ مطالب درس داده شده از طرف معلم است. این مسئله باعث می شود معلمان برای انجام فعالیت های کلاسی و ارتباط با دانش آموز با کمبود وقت مواجه شوند. کمبود وقت در مدارس به دلیل حجم زیاد کتاب های درسی مانع ارتباط گرم و صمیمانه دانش آموزان و معلم می شود. به طوری که معلم تنها در فکر اتمام کتاب های درسی است. معلم و دانش آموز برای برقراری ارتباط به زمان نیاز دارند. همچنین، ساختار مرکز بودن کتاب های درسی و توجه نکردن به مناطق مختلف و شرایطی که در آن قرار دارند از عواملی بود که معلمان به آن اشاره کردند.

«یکی از مشکلات اینه که واقعاً لازم نیست درسی مثل فارسی ۱۷ درس باشه چون واقعاً زیاده. اینا بشن مثلاً ۱۲ درس ولی گسترده. باید دانش آموزا درس ها رو عمقی یاد بگیرند» (م.ش، ۲).

«به دلیل حجم زیاد کتاب ها و تعداد زیاد دانش آموزان ما وقت این رو نداریم که با همه دانش آموزان ارتباط برقرار کنیم» (م.ش، ۴).

مصاحبه شونده شماره ۱۱ به «حجم کتاب های درسی و کمبود زمان برای تدریس مرکز محور بودن منابع آموزشی» اشاره می کند:

«محتوای کلاس از بالا میاد، که دارای ۱۴۰ - ۱۵۰ صفحه هست بدون اینکه مدارس حاشیه ای رو در نظر بگیره و برای کل ایران یک نوع کتاب میاد» (م.ش، ۱۱).

«کتاب های درسی هم زمانی که ساختار مرکز هستند یعنی از مرکز براش برنامه ریزی میشه و هیچ توجهی به بومی سازی نشده و دانش آموزی که در مناطق کردنشین هست همان چیزی رو می خونن که در تهران خونده میشه و شرایط یک دانش آموز کرد نسبت به دانش آموزی که تهران هست در نظر گرفته نشده می تونه این مشکلات برگرده به کتاب درسی، ساختار متمرکز و ...» (م.ش، ۱۲).

۲- فضای فیزیکی کلاس درس: فضای فیزیکی کلاس درس از جمله عوامل دیگری بود که معلمان آن را در روابط خود با دانش آموزانشان به عنوان یک مشکل در نظر می گرفتند. مشکل کمبود فضا از جمله مشکلاتی است که معلمان در ارتباط خود با دانش آموزان به آن اشاره می کنند. کمبود فضا و وسایل باعث می شود آن ها نتوانند مطالب درسی را با زندگی واقعی دانش آموزان مرتبط کنند. همچنین، بودجه بندی کتاب های درسی را نیز از جمله مشکلات دیگر در رابطه معلم و دانش آموز ذکر می کنند که این بودجه بندی نیز باعث می شود که بین زمان و مکان تدریس با آنچه در واقع در آن قرار دارند ارتباط برقرار نشود و همین باعث می شود که خیلی مواقع دانش آموز از درک مفاهیم موجود در کتاب ها عاجز شود. چنانچه یکی دیگر از مصاحبه شوندگان اشاره می کند باید از یادگیری زمینه-محور استفاده کرد.

مصاحبه شونده شماره ۳ در ارتباط با «نبود فضای فیزیکی مناسب کلاس و وسایل آموزشی کافی برای آموزش و زمینه-محور نبودن درس ها» بیان می کند:

«برای درسی مثل علوم نه فضای مناسبی داریم، نه باغچه آنچنانی داریم، نه وسایلی کافی داریم. در درس علوم مثلاً من هر چه براشون توضیح بدم که زمین اینجوریه، گندم باید اونجوری باشه، آب بهش میدن زیاد فایده نداره ... باید دانش آموزان رو ببریم به سر زمین. باید معلم به صورت اختیاری فصل ها رو تدریس کند طبق اون دستور العملی که فرستادن (بودجه-بندی) نباید باشه. مثلاً فصل مربوط به برداشت گندم رو می شه قسمتیش رو در مهر و آبان تدریس کرد و بخشیش رو هم که مربوط به کاشت هست رو دانش آموزان رو به مزارع ببریم. زمانی که گندم رو به شکل خام و برداشت شده می بینند به یک نانوایی و بربری پزی برن و معلم براشون توضیح بده که این همون آرده» (م.ش، ۳).

مصاحبه شونده شماره ۴ به «تعداد زیاد دانش‌آموزان و نبود فضای کافی کلاس» اشاره می‌کند:

«ما وقت این رو نداریم که با همه دانش‌آموزان ارتباط برقرار کنیم چون استاندارد یک کلاس ۱۷، ۱۸ نفره ولی متأسفانه کلاس‌های ما به صورتی نیستن که بتوانیم با همه دانش‌آموزان ارتباط برقرار کنیم» (م.ش، ۴).

جدول ۲: کدهای مشکلات روابط معلم-دانش‌آموز با توجه به فضای فیزیکی و آموزشی

کدهای باز	کد محوری	کد انتخابی
حجم زیاد کتاب‌های درسی؛		
کمبود وقت؛		
کمبود زمان برای تدریس؛	مناسب نبودن منابع آموزشی	
توجه کم‌تر به کتاب‌های درسی؛		
ساختار مرکز بودن کتاب‌های درسی؛		
کمبود فضای فیزیکی مدارس؛		
نبود وسایل کافی برای آموزش؛	فضای فیزیکی نامناسب کلاس	
تعداد زیاد دانش‌آموزان؛	درس	
عدم زمینه-محور بودن درس‌ها؛		

فضای فیزیکی و آموزشی

ج) مشکلات فردی دانش‌آموزان: براساس دیدگاه مشارکت کنندگان پژوهش، در زمینه مشکلات ارتباط معلم-دانش‌آموز عواملی وجود دارند که تحت عنوان مشکلات فردی دانش‌آموزان دسته‌بندی شدند. این عوامل شامل نبود انگیزه در دانش‌آموزان و اعتماد به نفس پایین دانش‌آموزان نمی‌باشند.

۱- نبود انگیزه در دانش‌آموزان: از جمله مشکلاتی که همیشه گریبان‌گیر نظام‌های آموزشی بود نبوده انگیزه دانش‌آموزان بوده است. این انگیزه از رفتن به مدرسه تا پیشرفت تحصیلی را شامل شده و پژوهش‌های گوناگونی برای بررسی انگیزه دانش‌آموزان انجام گرفته است. وقتی دانش‌آموز برای رفتن به مدرسه انگیزه نداشته باشد و مدرسه را به عنوان مکانی که باید به زور و اجبار ساعاتی از طول روز خود را در آن صرف کند، انگیزه‌ای هم برای برقراری ارتباط با معلم خود نخواهد داشت.

«روز اولی که من آمدم اینجا یکی دو تا از دانش‌آموزان می‌گفتند ای خدا دوباره مدرسه شروع شد. دانش‌آموزا زدن از مدرسه و مدرسه مکان ناخوشایندی شده برای اون‌ها و دوست ندارن برن مدرسه» (م.ش، ۳).

۲- اعتماد به نفس پایین دانش‌آموزان: کم‌رو بودن و عدم اعتماد به نفس دانش‌آموزان در کلاس درس و مدرسه باعث گوشه‌گیر شدن آن‌ها می‌شود و مانع شکل‌گیری ارتباط آن‌ها با معلمان‌شان می‌شود.

مصاحبه شونده شماره ۲ در ارتباط با کمرو بودن دانش‌آموزان و اینکه چطور به آن‌ها کمک کرده است اشاره می‌کند:

«دو تا دانش‌آموز داشتم که واقعاً نمی‌تونستن در کلاس صحبت کنند واقعاً کمرو بودن، می‌اومدن پای تخته به حدی استرس داشتن که نمی‌تونستن وایسن و حتماً باید بیرون می‌رفتن. قبلاً به گوشه می‌نشستن و اصلاً حرف نمی‌زدن. باباش اومد و گفت پسر من رو نبر پای تخته استرس داره» (م.ش، ۲).

مصاحبه شونده شماره ۷ در زمینه گوشه‌گیری و کمرو بودن دانش‌آموزان نمونه‌ای از تجربه خودش را می‌آورد:

«یه بار رفتم توی حیاط مدرسه دیدم یکی از دانش‌آموزان به گوشه کز کرده و تنها نشسته. رفتم پیشش و گفتم چیه چی شده دخترم چرا تنها اینجا نشستی؟ گفت خانم معلم بچه‌ها بهم میگن تو زشتی (به طرف چشمش سوخته بود)» (م.ش، ۷).

جدول ۳: کدهای مشکلات روابط معلم-دانش‌آموز با توجه به مشکلات فردی دانش‌آموزان

کدهای باز	کد محوری	کد انتخابی
نبود انگیزه در دانش‌آموزان برای رفتن به مدرسه؛	انگیزه پایین دانش‌آموزان	مشکلات فردی دانش‌آموزان
کمرو بودن و عدم خودپنداره دانش‌آموزان؛	اعتماد به نفس پایین دانش‌آموزان	
اعتماد به نفس پایین دانش‌آموزان؛		

د) مشکلات مربوط به والدین: براساس دیدگاه مشارکت کنندگان پژوهش، در زمینه مشکلات ارتباط معلم-دانش‌آموز عواملی وجود دارند که تحت عنوان مشکلات مربوط به والدین دسته‌بندی شدند. این عوامل شامل روابط مدرسه و خانواده، انتظارات، باورها و دخالت‌های والدین در کار معلم و پیش‌داوری‌ها و افت جایگاه معلم می‌باشند.

۱- روابط مدرسه و خانواده: عدم ارتباط بین خانواده و مدرسه نیز می‌تواند جو سرد و بی‌روحی را در بین دانش‌آموزان و معلمان ایجاد کند. شناخت والدین دانش‌آموزان و همکاری و برگزاری جلسات پیوسته برای حل مشکلات و تقویت نقاط قوت دانش‌آموزان می‌تواند ارتباط بین معلم و دانش‌آموزان را صمیمی و گرم کند.

مصاحبه شونده شماره ۳ در زمینه عدم ارتباط مناسب بین اولیا و مدرسه اشاره می‌کند:

«به نظرم هر ماه یا اگه هر ماه زیاده حداقل هر فصل یک بار برای اولیا کلاس برگزار کنیم. جلسه اولیا و مربیان یک بار بوده که اون هم ارتباطی به من نداره نه من اونا رو می‌شناسم و نه اونا دانش‌آموزای من رو [منظور مصاحبه شونده دانش‌آموزان کلاس خودش است]. قبلاً دو گروه بود کلاس دانش‌آموزای قبول و ردی ولی الان چهار گروه است باید در ارتباط با هر گروه با والدین آن‌ها جلسه برگزار شود تا هم معلم و هم والدین وظایف خودشان را بدانند. والدین چه چیزی می‌خواهند از من ... رابطه بین اولیا و مربیان و مدرسه صفره» (م.ش، ۳).

مصاحبه شونده شماره ۲ در ارتباط با ناآگاهی و عدم هماهنگی بین مدرسه و خانواده بیان می‌کند:

«در این مدرسه جلسه‌ای برای این کار برگزار نشده و من به عنوان اولین سال در این مدرسه نمی‌دونستم و کسی هم منو راهنمایی نکرد و بهم بگن که از همون اول که اومدی سرکار برای والدین جلسه بذار» (م.ش، ۲).

۲- انتظارات، باورها و دخالت‌های والدین در کار معلم: والدین به عنوان کسانی که فرزندانشان را در اختیار مدارس قرار می‌دهند تا به آموزش و پرورش آن‌ها بپردازند، همیشه نسبت به تربیت فرزندانشان نگرانی‌ها و دلوپسی‌هایی دارند و انتظارات زیادی از دانش‌آموزان و معلمان دارند. از طرف دیگر، برخی از خانواده‌ها با توجه به بافت و زمانی که خود در آن درس خوانده هنوز به آن شیوه‌ها اعتقاد داشته و بر این باورند که شیوه‌هایی که معلمان در زمان آن‌ها برای تدریس و تربیت آن‌ها به کار می‌گرفته، نسبت به آنچه معلمان مورد استفاده قرار می‌دهند، اثربخش‌تر بوده است. از این رو، از دیدگاه معلمان پژوهش مقاومت والدین برای به کارگیری روش‌های جدید و خلاقانه تدریس، انتظار بیش از حد والدین از دانش‌آموزان، داشتن دیدگاه سنتی وادیندر مورد درس و مدرسه، دخالت والدین در حوزه تخصصی معلمان و عدم تمایز بین دخالت و مشارکت از طرف والدین باعث به وجود آمدن مشکلاتی در روابط معلم و دانش‌آموز می‌شود.

مصاحبه شونده شماره ۳ در زمینه مقاومت والدین برای به کارگیری روش‌های جدید و خلاقانه در تدریس اشاره می‌کند:

«معلم به نظر من باید هنرمند باشد چه مشکلی دارد آواز بخواند، چه مشکلی دارد وقتی حروف الفبا رو به دانش‌آموزان یاد میده تنبک کوچکی داشته باشد و با ضرب‌های آن حروف را به آن‌ها یاد دهد. مثل امروز بارون می‌امد می‌شد شعر و آواز بارون رو خوند ... ولی خانواده‌ها هم در این زمینه مقاومت می‌کنند و فکر می‌کنند بچه‌هایشان آوازخوانی یاد می‌گیرند نه درس. دانش‌آموز باید نقاشی کند، آواز بخواند، تقلید کند تا جرأت پیدا کند به کلاس‌های بالاتر برود» (م.ش، ۳).

مصاحبه شونده شماره ۲ در ارتباط با انتظار بیش از حد والدین بیان می‌دارد:

«خانواده‌ها میان دیگه نمیگن این دانش‌آموزا کلاس دوم هستن و انرژی دارن و باید تخلیش کنه. در منزل دانش‌آموزا حوصله ندارن درس بخونن میان میگن چرا امروز تکلیف ندارن چرا بهشون درس ندادین. درحالی که نمی‌دونن دانش‌آموز کلاس دو ۱۰ دقیقه بیشتر مغزش نمی‌کشه» (م.ش، ۲).

مصاحبه شونده شماره ۱۲ در ارتباط با دخالت والدین در حوزه تخصصی معلمان و عدم تمایز دخالت و مشارکت توسط اولیا بیان می‌دارد:

«ما باید دخالت والدین رو از مشارکت والدین جدا کنیم، مشارکت چیزیه و دخالت کردن در کار معلم چیز دیگه‌ای هست. من به عنوان یک متخصص اجازه نمی‌دم هیچ‌کس در کارم دخالت کنه ولی مشارکت لازمه و من بدون مشارکت والدین نمی‌تونم دانش‌آموزان رو خوب تربیت کنم. در قسمت تخصص معلم کلاس خودش و بهتر می‌تونه مشکلات رو حل کنه ولی در حوزه مشارکت حضور والدین لازمه، در بعضی بخش‌ها والدین فرزند خودشون رو بهتر می‌شناسن، همه کارشن، می‌تونه با معلم همکاری کنه، من برنامه‌ای دارم در کلاس تنهایی نمی‌تونم اجراش کنم، والدین فرزندشون رو در خونه بهتر می‌شناسن» (م.ش، ۱۲).

۳- پیش‌دوری‌ها و افت جایگاه معلم: یکی از مشکلاتی که معلمان در ارتباط معلم و دانش‌آموز به آن اشاره می‌کنند خاطراتی است که والدین از دوران مدرسه خودشان برای فرزندانشان تعریف می‌کنند. خاطراتی که آن‌ها اغلب تعریف می‌کنند به اذیت کردن معلم و کارهایی است که به سر معلم در آورده‌اند و این خیلی اوقات اسباب خنده را فراهم می‌کند. به نظر این معلمان تعریف این خاطرات سبب می‌شود دانش‌آموزان نیز به دنبال ایجاد خاطره‌ای در کلاس هستند که در آینده برای دوستان و یا فرزندانشان خود تعریف کنند. همچنین، امروزه با توجه به مشکلات اقتصادی که در کشور وجود دارد و با توجه به این تفکر که دانش‌آموز باید درس بخواند تا کاره‌ای شود، باعث شده اولیا نسبت به درس خواندن فرزندانشان انگیزه‌ی آنچنانی نداشته باشند و به مقایسه فرزندانشان خود با کسانی که در خوانده‌اند و بیکار هستند می‌پردازند.

مصاحبه شونده شماره ۱۱ در این زمینه بیان می کند:

«وقتی اولیا خاطره ای رو تعریف می کنند از دوران مدرسه خودتون معمولاً خاطرات منفی رو تعریف می کنن این خاطرات منفی که برای فرزندانشون تعریف می کنند در ذهن آن ها ملکه می شه به عنوان اینکه اگر منم امروز پیام معلم رو اذیت کنم به خاطره ای تبدیل میشه که منم برای فرزند خودم تعریف کنم. پس اولیا در روابط دانش آموز و معلم خیلی تأثیر دارن. اگه اونا خوبی کلاس رو بگن، استفاده مثبت کلاس رو بگن، دانش آموز هم جلب روابط مثبت معلم و شاگرد میشه ولی اگه ویژگی های منفی کلاس رو بگن به بچه هاشون تأثیر منفی دارد در اونها» (م.ش، ۱۱).

جدول ۴: کدهای مشکلات روابط معلم-دانش آموز با توجه به مشکلات مربوط به والدین

کدهای باز	کد محوری	کد انتخابی
ناآگاهی و عدم هماهنگی بین مدرسه و خانواده؛		
روابط مدرسه و خانواده		
عدم ارتباط مناسب بین اولیا و مدرسه؛		
مشکلات مربوط به والدین	عدم آگاهی والدین از فرایند صحیح آموزش	مقاومت والدین برای به کارگیری روش های جدید و خلاقانه تدریس؛ انتظار بیش از حد والدین از دانش آموزان؛ داشتن دیدگاه سنتی والدین در مورد درس و مدرسه؛ دخالت والدین در حوزه تخصصی معلمان؛ عدم تمایز بین دخالت و مشارکت در بین اولیا؛
		پیش زمینه های ذهنی دانش آموزان به توجه به تجربه هایی که والدین از مدرسه تعریف می کنند؛ دلسردی والدین نسبت به درس خواندن فرزندان شان؛
	پیش داوری های والدین از معلم و مدرسه	

ه) مشکلات مربوط به معلم و کادر مدرسه: براساس دیدگاه مشارکت کنندگان پژوهش، در زمینه مشکلات ارتباط معلم-دانش آموز عواملی وجود دارند که تحت عنوان مشکلات مربوط به معلم و کادر مدرسه دسته بندی شدند. این عوامل شامل کمبود دانش و تجربه معلم، مشکلات فردی معلم و عدم هماهنگی بین معلم و کادر مدرسه می باشند.

۱- کمبود دانش و تجربه معلم: برخی از مشکلات روابط معلم و دانش آموز به کمبود دانش و تجربه معلمان در برخورد با دانش آموزان است. از دیدگاه معلمان عدم آشنایی معلمان با اصول روانشناسی، بی تجربگی معلمان، عدم وجود دوره های روابط انسانی برای دانشجو-معلمان، کمبود کتاب و منابع آموزشی در زمینه روابط معلم و دانش آموز، احساس عدم نیاز به کمک در جهت ایجاد ارتباط درست با دانش آموزان در معلمان و نداشتن طرح درس و یا پروژه از طرف معلمان از جمله مشکلات روابط معلم و دانش آموز می باشند.

مصاحبه شونده شماره ۷ در زمینه بی تجربگی خود در برخورد با یک دانش آموز بیان می کند:

«من اولین سال کارم در روستایی بودم. دانش آموزی داشتم که وسایل بچه های دیگه رو برمی داشت و به هیچ وجه نمی تونستم کنترلش کنم. یه روز دانش آموزام اومدن گفتن خانم معلم ن. مداد یکی از دانش آموزا رو برداشت و فرار کرد، ما هم دنبالش کردیم تا پشت خونه شون. منم در این موقعیت نمی دونستم چکار کنم والدینش رو خبر کردم. یکی از والدینش اومد گفت که دیگه نمی دارم بیاد مدرسه. هرچی بهش گفتم که این کار لازم نیست هیچ فایده ای نداشت و گفت الا و بلا باید ترک تحصیل کنه. دانش آموز کلاس اولم ترک تحصیل کرد» (م.ش، ۷).

مصاحبه شونده شماره ۱۱ در ارتباط با عدم وجود دوره‌های روابط انسانی برای دانشجو-معلمان و کمبود منابع آموزشی و اثرات و عواقبی که اشکال در روابط معلم و دانش‌آموز به بار می‌آورد بیان می‌دارد:

«در مراکزی که تربیت معلم و یا مراکزی که در حال حاضر به استخدام معلم مشغولند، ظلم زیادی در حق بچه‌های مردم میشه. دوره‌های روابط انسانی برای دانشجو-معلمان خیلی لازم است و این مسئله در آموزش و پرورش خیلی کمه. اصلاً دوره‌ای نداریم که برخورد معلم با دانش‌آموزانش چگونه باشه. کتاب‌هایی که در این زمینه نوشته باشند خیلی کمه، منابع آموزشی در این زمینه خیلی کمه یا معلما احساس می‌کنن خودشون علامه دهرن، احساس نیاز نمی‌کنن نسبت به این امر، در صورتی که جزء ضروریات هست که ما معلمانمون رو وادار کنیم که یا تشویقشون کنیم به اینکه مطالعه کنن و روش-های خاص یاد بگیرند، تجربیات همدیگرو بخونن، مطالعاتشون زیاد بشه در این زمینه قطعاً کمک می‌کنه به آموزش و پرورش کشورمون» (م.ش، ۱۱).

۲- مشکلات فردی معلم: مشکلات فردی معلمان نیز از جمله عواملی است که روابط معلم و دانش‌آموز را تحت تأثیر قرار می‌دهد. امروزه در کشوری مانند ایران جایگاه معلم نسبت به آنچه قبلاً بوده و آنچه در کشورهای پیشرفته وجود دارد، از جنبه‌های گوناگونی دست‌خوش تغییر شده است. از طرف دیگر، دلسردی معلم که بیش‌تر ناشی از مشکلات معیشتی است باعث می‌شوند که معلم تمرکزش را به جای اینکه روی تدریس و آموزش و ارتباط با دانش‌آموزانش صرف کند در شغل دوم و انجام کاری غیر از مدرسه صرف کند. مصاحبه شونده شماره ۱۲ در این زمینه اشاره می‌کند:

«قبل از هر چیز رابطه تکریم و بزرگی شخصیت معلمه. وقتی که آموزش و پرورش خودش نتونه این کار رو بکنه معلمان دچار افت تکریم و افت شخصیت می‌شن و از لحاظ معیشتی نیز این خیلی آشکاره. وقتی که معلم معیشتش در حد خیلی بدی باشه در فکر راه دومی هست برای گذران زندگی و آموزش و معلمی در اولویت دوم قرار می‌گیره و این کم‌کم باعث ایجاد مشکل میشه و معلومه که از این لحاظ چند سالی هست که در ساختار نظام آموزشی این مشکلات دارای وضوح بیش‌تری است».

«مشکل دیگه‌ای که هست اینه که خود معلمان از لحاظ معیشتی دارای مشکل هستنند از این رو معلمی که خودش مشکل داره معلومه که در کلاس درس هم خلاق نیست، حوصله کلاس رو نداره، فکرش توی گوشیشه، در بازار کسب و کاره و پیش کار دومی است که احتمالاً داره. اینا همه مشکل‌ساز هستنند، باعث چالش بزرگی میشن و در این میان دانش‌آموزان دچار افت شدید میشن» (م.ش، ۱۲).

مصاحبه شونده شماره ۴ به مشکلات معیشتی معلمان اشاره می‌کند:

«معلمی علاقه است، یعنی اگر علاقه نداشته باشی سخت‌ترین شغله، ولی اگر علاقه داشته باشی لذت بخش‌ترین شغله. یعنی معلم داریم پنجشمه و جمعه ناراحته و در فکر مدرسه و کلاسه واقعاً باید علاقه داشته باشی تا بتوانی معلم موفق باشی. در پایان هم آرزو می‌کنم که جو و فضایی از هر نظر از لحاظ معیشتی و مالی فراهم بشه که واقعاً بتونه معلم باشه و با علم و آرامش مطالعه کنه و بره سره کلاس و جوابگوی دانش‌آموزان باشه چون واقعاً تأثیرگذاره» (م.ش، ۴).

۳- عدم هماهنگی بین معلم و کادر مدرسه: عدم هماهنگی بین معلمان و عوامل اجرایی و حتی معلمان باعث می‌شود معلمان نتوانند نسبت به دانش‌آموزان و مشکلات و خصوصیات آن‌ها شناخت داشته باشند. همچنین، برخی از معلمان معتقدند که عدم ارتباط بین پایه قبلی و فعلی دانش‌آموزان می‌تواند کار را برای معلم جدید مشکل کند و او نتواند دوباره از اول به شناسایی نقاط قوت و ضعف دانش‌آموزان بپردازد، که این می‌تواند ناشی از عدم رابطه بین معلمان سال‌های قبل و یا ارائه اطلاعات لازم در مورد دانش‌آموزان برای پایه‌های بالاتر باشد.

مصاحبه شونده شماره ۴ در زمینه عدم هماهنگی بین عوامل اجرایی و آموزشی بیان می‌کند:

«به نظرم باید هماهنگی‌هایی بین عوامل اجرایی و آموزشی وجود داشته باشد برای شناخت، هرچند وجود دارد، ولی دبیر یا معلم هم حضور داشته باشد و اطلاع داشته باشد از پرورش هر دانش‌آموز اینکه دارای چه خصوصیتی، از چه خانواده‌ای، چه استعداد و توانایی‌هایی دارد، چه مشکلاتی دارد، از چه خانواده‌ای اومده همه اینها می‌تونه به حل مشکلات کمک کنه» (م.ش، ۴).

مصاحبه شونده شماره ۱۲ در ارتباط با عدم ارتباط معلمان پایه قبلی و فعلی دانش‌آموزان اشاره می‌کند:

«پایه قبلی اساساً مهمه و اینکه چطوری دانش‌آموز بالا اومده و اون روند ارزشیابی توصیفی که کاری کرده که اگه دانش‌آموز قبول هم نشه و در حد انتظار هم نباشه بعداً نمره رو براش تغییر می‌دن تا بالا بیاد. بخشی از چالش‌ها مربوط به اینه ولی متأسفانه خود این چالش هم بهانه‌ای شده که معلمان سال جاری هم کار نکنند و با این جمله که معلم سال قبل کار نکرده و اونو مقصر اعلام می‌کنن، کوتاهی می‌کنن» (م.ش، ۱۲).

جدول ۵: کدهای مشکلات روابط معلم-دانش‌آموز با توجه به مشکلات مربوط به معلم و کادر مدرسه

کدهای باز	کد محوری	کد انتخابی
عدم آشنایی با اصول روانشناسی؛ بی‌تجربگی معلمان؛ عدم وجود دوره‌های روابط انسانی برای دانشجو-معلمان؛ کمبود کتاب، تجربیات و منابع آموزشی در زمینه روابط معلم و دانش‌آموز؛ احساس عدم نیاز به کمک برای ایجاد ارتباط درست با دانش‌آموزان در معلمان؛ نداشتن طرح درس یا پروژه برای معلمان؛	کمبود دانش و تجربه معلم	مشکلات مربوط به معلم و کادر مدرسه
افت تکریم و شخصیت معلم؛		
دل‌سردی معلمان؛		
مشکلات معیشتی معلمان؛	مشکلات فردی معلم	
انتخاب شغل معلمی فقط به خاطر منبع درآمد نه علاقه؛		
عدم هماهنگی بین عوامل اجرایی و آموزشی؛	عدم هماهنگی معلم و کادر مدرسه	
عدم ارتباط بین معلمان پایه قبلی و فعلی دانش‌آموزان؛		

(و) موانع مربوط به نظام آموزشی: از جمله مشکلات دیگری که معلمان در رابطه خود با دانش‌آموزان به آن اشاره می‌کردند، مشکلات مربوط به نظام آموزشی بود. از نظر آن‌ها محدودیت‌های سیستم آموزشی، توجه کم به مدارس در نظام آموزشی، مسائلی که در ارتباط با آموزش معلمان وجود دارد، کمبود بوجه آموزش و پرورش، تأکید بر مسائل نظری به جای مسائل عملی در آموزش معلمان، عدم کاربرد آموزش‌های دانشگاهی در عمل، وجود هدف‌های کلی و مبهم در نظام آموزشی و نظام متمرکز آموزش و پرورش از جمله عوامل مربوط به نظام آموزشی هستند که می‌تواند در رابطه معلم و دانش‌آموز مانع ایجاد می‌کنند.

مصاحبه شونده شماره ۳ در زمینه محدودیت‌هایی که سیستم آموزشی پیش روی آن‌ها می‌گذارد اشاره می‌کند:

«معلم به نظر من باید هنرمند باشد چه مشکلی دارد آواز بخواند، چه مشکلی دارد وقتی حروف الفبا رو به دانش‌آموزان یاد میده تنبک کوچکی داشته باشد و با ضرب‌های آن حروف را به آن‌ها یاد دهد. مثل امروز بارون می‌اومد می‌شد شعر و آواز بارون رو خوند ولی چون یک سری محدودیت‌ها در سیستم وجود دارد با مشکل مواجه می‌شویم. یا شعرهایی که در کتاب وجود دارد می‌شود با زبان عامیانه خوانده شود» (م.ش، ۳).

مصاحبه شونده شماره ۱۲ به توجه کم به مدارس، کمبود بودجه آموزش و پرورش اشاره می‌کند:

«چند سالی هست که در ساختار نظام آموزشی این مشکلات دارای وضوح بیش‌تری است یعنی کمتر به مدارس توجه شده، کمتر توجه شده به کتاب‌های درسی، و بودجه‌ای که معلم و دانش‌آموز برای پیش‌برد فرایند آموزشی لازم دارند و این خیلی مهمه. در حال حاضر هیچ مدرسه‌ای به اندازه یک سوم دانش‌آموزانش بودجه و امکانات در اختیار نداره یعنی مدارس باید با تمام عوامل و امکاناتش که برای یک سوم جمعیت دانش‌آموزیه کل جمعیت دانش‌آموزی رو اداره کنه و این باعث مشکلات بزرگی میشه» (م.ش، ۱۲).

مصاحبه شونده شماره ۹ به آموزش معلمان و عدم کاربرد آموزش‌های دانشگاهی در عمل اشاره می‌کند:

«من معلم برای چیز دیگری آموزش دیده‌ام ولی کاش برای برخورد با چنین موقعیت‌هایی هم آموزش می‌دیدم [اشاره به موقعیت‌هایی که دانش‌آموز با مشکل برخورد می‌کنه]. در این مواقع مجبورم براساس تجرب و آنچه به ذهنم خطور می‌کنه، هر چند شاید بعضی مواقع به غلط باشه روش من. دانش‌آموزای ما خیلی آسیب دیدن و ما هم در همین حد توانایی داریم ... ما در دوره دانشگاه انواع روانشناسی رو می‌خوندیم ولی متأسفانه برای امروز هیچ کاربردی نداشته. به نظرم تجربه از همه چیز مهم‌تره».

مصاحبه شونده شماره ۱۱ نیز در این زمینه اشاره می‌کند:

«آنچه که من طی این چند سال تجربه کرده باشم احساس می‌کنم در مراکزی که تربیت معلم و یا مراکزی که در حال حاضر به استخدام معلم مشغولند، ظلم زیادی در حق بچه‌های مردم میشه. دوره‌های روابط انسانی برای دانشجو-معلمان خیلی لازم است و این مسئله در آموزش و پرورش خیلی کمه» (م.ش، ۱۱).

مصاحبه شونده شماره ۱۲ به نظام متمرکز آموزش و پرورش اشاره می‌کنند:

«در حال حاضر نظام آموزشی ما هر درسی رو که تدریس می‌کنیم در نهایت به دانش‌آموزان این مطلب رو انتقال بدیم که این درس در آینده باعث میشه که فرد شایسته‌ای باشید یا فرد شایسته‌ای نباشید. این رویکرد کلی است که الان برنامه درسی ملی ایران بر اساس آن جلو میره. همچنین ۴۶ هدف آموزشی که زیر مجموعه این هدف کلی است. وقتی این اهداف رو بردند پیش دکتر شعاری‌نژاد وقتی ایشون به این اهداف نگاه می‌کردند، انقدر کلی و گنگ بودند که ایشون گفتند: من از این اهداف سر در نمی‌آورم» (م.ش، ۱۲).

نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی شناسایی مشکلات مربوط به روابط معلم-دانش آموز از دیدگاه معلمان دوره ابتدایی انجام گرفت. پس از استخراج کدهای باز و محوری از مصاحبه های انجام شده با معلمان، با توجه به کدهای محوری، مؤلفه های مشکلات روابط معلم-دانش آموز تحت عنوان کدهای منتخب نام گذاری شد. کدهای محوری شناسایی شده که شامل ۱۶ کد بودند، در ۶ کد منتخب یا مؤلفه دسته بندی شدند. در واقع با توجه به تجربه های معلمان ابتدایی برای مشکلات روابط معلم و دانش آموز ۶ مؤلفه استخراج شد که این مؤلفه ها دارای ۱۶ شاخص می باشند. با توجه به این نتایج می توان گفت که از دیدگاه معلمان عوامل مختلفی در روابط معلم-دانش آموز نقش دارند و می توانند این روابط را با مشکل مواجه کنند. همچنان که در مبانی و ادبیات نظری روابط معلم-دانش آموز آمده است، عدم مشارکت دادن دانش آموزان در تصمیم گیری های کلاسی؛ مدیریت اداره کلاس و نظارت بر رفتار دانش آموز را خود برعهده می گیرند. در چنین جوی دانش آموزان هیچ نوع اختیار و مسئولیتی در فرایند یادگیری احساس نمی کنند و باور دارند فقط معلم است که رفتار آن ها را کنترل، نظارت و اصلاح می کند (عالی و امین یزدی، ۱۳۸۷). همچنین، هیچ رابطه عاطفی برقرار نمی گردد. شاگرد معلم را به چشم بیگانه ای می نگرد که مأمور است چند مطلب علمی را به او یاد دهد. او درس را با اکراه می خواند، تکالیفش را با ناراضی انجام می دهد، زود خسته می شود، از کلاس لذتی نمی برد و گاه سعی می کند سکوت رخوت بار کلاس را با رفتارهای غیرمعمول بشکند، که در این صورت با عکس العمل تند و تیز معلم روبه رو و وضع بدتر از قبل می شود. در این نوع کلاس ها معلم نیز متقابلاً از کلاس خسته می شود و روحیه اش را از دست می دهد. بعضی از معلمان با وضع قوانین بیش از حد، شاگردان را سردرگم می کنند. شاگردان نمی دانند به کدام قانون، در کجا، چه وقت، چگونه و چرا باید عمل کنند، به عبارت دیگر هدف های اصلی تربیتی در لابه لای مقررات ریز و درشت گم می شود (رنوفی، ۱۳۸۰).

فضای فیزیکی و آموزشی کلاس درس از جمله مشکلات دیگر در زمینه ارتباط معلم-دانش آموز بود. برخی از معلمان به عوامل فیزیکی کلاس توجه کافی را مبذول نمی دارند. آن ها تنها وظیفه خود را ارائه مطالب می دانند ولی توجهی به این امر که این مطالب در چه فضایی بیان می گردد نمی کنند. همچنین آن ها به این امر که شاگردان در فضای فیزیکی مناسب تر، بهتر می توانند مطالب را بیاموزند توجهی ندارند. در این کلاس ها صندلی ها به صورت خطی سنتی چیده شده است و شاگردان با ردیفی از نیمکت ها که به صورت خطی چیده شده اند رو به روی معلم می نشینند و اکثر دانش آموزان دارای جای ثابتی در کلاس می باشند. هابر (۱۹۸۸) نشان داد که در کلاس های سنتی ۷۵ درصد شاگردان مدعی یک صندلی خاص می باشند و بیش تر از نصف زمان آن را اشغال می کنند. هم چنین این معلمان به موارد گرمایشی و سرمایشی نیز توجه لازم را به عمل نمی آورند. در پژوهشی پیلر (۱۹۷۲) به این نتیجه رسید عملکرد درسی دانش آموزان در کلاس هایی که وضعیت گرمایشی و سرمایشی مناسبی دارند از دانش آموزان کلاس هایی که وضعیت مناسبی ندارند بهتر است (به نقل از شکوری، ۱۳۸۷).

مشکلات فردی دانش آموزان از جمله مؤلفه های دیگر مشکلات رابطه معلم-دانش آموز بود. وقتی مدرسه ای به عللی تعطیل می شود، دانش آموزان تا حد زیادی خوشحال می شوند و گویی آن ها نیز از زندان خلاص شده اند، نشان می دهد که این نظام آموزشی پاسخگوی نیازهای روحی دانش آموزان نیست. در این نظام آموزشی نه تنها معلم نمی تواند با دانش آموز رابطه دوستی و محبت برقرار کند و به او احترام بگذارد، بلکه زمینه های لازم برای برقرار کردن چنین رابطه ای و برای احترام گذاشتن به دانش آموز فراهم نشده است. اغلب معلمان مجبورند برای جلوگیری از سوء استفاده برخی از دانش آموزان در کلاس برخورد آمرانه داشته باشند. در این نظام آموزشی، دانش آموز از خود و اجتماعش احساس رضایت نمی کند (برهانی، ۱۳۹۰).

والدین هم به نوبه خو می توانند در فرایند شکل گیری و ایجاد ارتباط و یا عدم ایجاد آن تأثیرگذار باشند. چنانچه والدین دانش آموزان نسبت به مدرسه و یادگیری درک درست و به روزی داشته باشند، بتوانند ارتباط خود را با مدرسه حفظ کنند و در جریان یادگیری فرزندانشان باشند و با مدرسه و معلم در این فرایند مشارکت کنند می توانند زمینه را برای ایجاد روابط درست و صمیمی معلم-دانش آموز هموار کنند. گاهی اوقات انتظارات بیش از حدی که والدین از فرزندانشان دارند زمینه را برای فشار بر آن ها و معلمانشان فراهم کرده و حتی گاهی اوقات به جای مشارکت در فرایند یادگیری دانش آموزان، همان طور که در مصاحبه ها اشاره شد در کار و تخصص معلم دخالت می کنند و همین به جای اینکه مشکلات را حل کند به مشکلات می افزاید. همچنی، اینکه والدین به معلمان فرزندانشان اعتماد داشته باشند و آن ها را در جریان

یادگیری و آنچه مربوط به آنها نیست آزاد بگذارند و نسبت به روش‌های جدید و خلاقانه‌ای که در تدریس و آموزش کلاس درس به کار می‌گیرند مقاومت و حساسیت نداشته باشند می‌تواند به ایجاد ارتباط بهتر معلم و دانش‌آموزان کمک کند.

در نهایت مشکلات مربوط به معلم و کادر مدرسه به عنوان ششمین مؤلفه مشکلات روابط معلم-دانش‌آموز شناسایی شد. در این زمینه مدیر مدرسه می‌تواند با همکاری و همدلی و برقراری یک رابطه دوستانه ساده میان معلم و دانش‌آموز همکاری و گرایش به کار را در آنها افزایش دهد (برهانی، ۱۳۹۰). اولین برخورد معلم با دانش‌آموزان دارای اهمیت فوق العاده‌ای است، چون اساس روابط آینده‌ی آنها بر پایه همین برخورد اول است. اگر بین معلم و دانش‌آموزان رابطه خوبی وجود داشته باشد، معلم هیچ نگرانی در تأثیرگذاری بر دانش‌آموزان نخواهد داشت. اما این واقعیت بیش‌تر اوقات توسط معلمان نادیده گرفته می‌شود. آنها بدون توجه به رابطه‌ای که با کودک دارند سعی می‌کنند در او نفوذ کنند و رفتارهای بد او را اصلاح کنند. معلمان باید رابطه خو را با نوآموزان طوری تنظیم کنند تا نقش‌هایشان را از صورت تک‌نواز به هم‌نواز تغییر دهند و به جای تأکید بر پخش اطلاعات بر کمک کردن به نوآموزان در راه جستجو، تنظیم و درک دانستنی‌ها تأکید ورزند و بیش‌تر در هدایت کردن آنها بکوشند تا قالب ریختن آنها (درایکوس، ۱۳۸۸).

مسائل و مشکلات مربوط به نظام آموزشی نیز یکی دیگر از مؤلفه‌های شناسایی شده مشکلات روابط معلم-دانش‌آموز بود. در چنین نظام-هایی رسمیت و تمرکزگرایی زیادی وجود دارد و بر رفتارهای برنامه‌ریزی شده تأکید زیادی دارد و در آن انسان به عنوان موجودی غیرفعال، تهی و منفعل در نظر گرفته می‌شود که ذاتاً تنبل و تن‌پرور است. مطابق این الگو، فعالیت آدمی در اثر نیروهای خارجی انجام می‌گیرد؛ بنابراین هدف آموزش و پرورش، صرف انتقال فرهنگ، پر کردن ذهن آدمی و شکل دادن به رفتار اوست که مطابق با الگوهای از قبل تعیین شده است. نتایج آموزشی این الگو، تهیه و تنظیم برنامه‌های تحصیلی مرحله به مرحله و انعطاف‌ناپذیر و تأکید در زمینه انتقال محتوا در آموزش و پرورش است (شعبانی، ۱۳۸۶).

با توجه به نتایج پژوهش می‌توان پیشنهادهایی ارائه داد: برگزاری منظم جلسات انجمن اولیا و مربیان؛ آگاه نمودن والدین از چگونگی مشارکت آنان در امر آموزش و پرورش به منظور فعال نمودن مشارکت آنان؛ توجه معلمان و والدین در مورد وظایفشان؛ گنجاندن دروسی تحت عنوان شیوه‌های برقراری ارتباط معلم با دانش‌آموزان در دوره‌های تربیت معلم؛ معلمان سعی کنند در کلاس درس خود از شیوه‌های مختلف مدیریت کلاس به منظور درگیر کردن و ارتباط بیش‌تر با دانش‌آموزان استفاده کنند؛ جوی در مدرسه ایجاد شود و شرایط خارج از مدرسه به گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان انگیزه بیش‌تری برای رفتن به مدرسه داشته باشند، اعتماد بنفسشان بالاتر رود و محیط مدرسه را محیطی شاداب و دلپذیر بدانند؛ معلم به عنوان کسی که بیش‌ترین زمان را با دانش‌آموزان سپری می‌کند باید از اختیارات لازم برای استفاده بهینه از زمانی که در اختیار داشته باشد؛ بین عوامل اجرایی و آموزشی مدارس رابطه‌ای دوستانه و توأم با دوستی در جهت کمک به دانش-آموزان وجود داشته باشد؛ معلمان با وجود محدودیت‌هایی که دارند سعی کنند به دانش‌آموزان انگیزه بدهند تا از آنچه یاد می‌گیرند لذت ببرند؛ و همکاری معلم و دانش‌آموز در تولید طرح‌ها و برنامه‌های تربیتی و اصلاحی، تولید محتوا، تصمیم‌گیری‌ها در سطح مناطق و کشور، از طریق تشکلهای و انجمن‌های علمی و حرفه‌ای ضروری است.

منابع

- ادیب حاج باقری، محسن؛ پرویزی، سرور؛ صلصالی، مهوش. (۱۳۹۰). **روش های تحقیق کیفی**. تهران: انتشارات بشری.
- اسپالدینگ، چریل ال. (۱۳۷۳). رابطه معلم و دانش آموز. (ترجمه محمدرضا نایینیان)، (ماهنامه رشد معلم)، ۱۰۵، ۶۶-۶۲.
- برکو، ری. ام، ولوین، آندرودی. و ولوین، دارلین آر. (۱۳۸۲). **مدیریت ارتباطات**. (ترجمه سیدمحمد اعرابی و داود ایزدی). تهران: انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی.
- برهانی، پوران. (۱۳۹۰). **تبیین مقوله ارتباط (مناسبات) بین کنشگران تعلیم و تربیت (معلمان، دانش آموزان و مدیران) در مدارس ایران و ارزیابی آن براساس نظریه ارتباطی هابرماس (مطالعه موردی مدارس کرمان)**. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- حاضری، علی محمد؛ رضاپور، اسماعیل. (۱۳۹۲). مطالعه برخی عوامل مؤثر بر بروز مقاومت دانش آموزان در برابر هنجارهای مدرسه دبیرستان های شهر تهران. **مجله جامعه شناسی ایران**، ۱۴ (۴)، ۳۵-۶۳.
- دانایی فرد، حسن؛ کاظمی، سید حسین. (۱۳۹۰). **پژوهش تفسیری در سازمان: استراتژی های پدیدارشناسی و پدیدارنگاری**. تهران: دانشگاه امام صادق.
- درایکورس، رودولف؛ گرونوالد، برنیس برونیاغ چایلدزپرپرف فلوی. (۱۳۸۸). **فنون مدیریت کلاس "رویکرد روان شناختی به بهسازی آموزش و ارتباطات مدرسه"** (ترجمه: حمید علیزاده و علیرضا روحی)، تهران: دانژه.
- رابینز، استیفن. پی. و دی سنزو، دیوید. ای. (۱۳۹۶). **مبانی مدیریت**. (ترجمه سیدمحمد اعرابی، محمدعلی حمیدرفیعی و بهروز اسراری ارشاد). تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
- ربانی؛ سمیه. (۱۳۸۹). **آسیب شناسی رابطه معلم و دانش آموز از دیدگاه معلمان و دانش آموزان دوره متوسطه منطقه ۱۱ آموزش و پرورش شهر تهران**. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی.
- رئوفی، محمدحسین. (۱۳۸۰). **مدیریت رفتار کلاسی (مهارت های آموزشی و پرورشی)**. مشهد: آستان قدس رضوی، به نشر.
- زندى، احمد. (۱۳۸۲). رابطه صمیمانه معلم و دانش آموز. **ماهنامه رشد معلم**، ۱۷۸، ۳۳-۳۴.
- شاهورانی، احمد؛ تلخ آبی علیشه، غلامرضا؛ تلخ آبی علیشه، علیرضا. (۱۳۸۸). بررسی رابطه ویژگی های ارتباطات اثربخش معلم-دانش آموز با یادگیری ریاضی. **فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی**، ۳ (۳)، ۵۱-۶۷.
- شعبانی، حسن. (۱۳۸۶). **مهارت های آموزشی و پرورشی (روش ها و فنون تدریس)**. تهران: انتشارات سمت.
- شکوری، ندا. (۱۳۸۷). محیط های آموزشی و طراحی کلاس درس. **مجله شهر و ساختمان**، ۴۰، ۳۴-۳۱.
- عابدی، حیدرعلی. (۱۳۸۹). کاربرد روش تحقیق پدیده شناسی در علوم بالینی. **فصلنامه راهبرد**، ۱۹ (۵۹)، ۳۴-۲۰.
- عالی، آمنه. و امین یزدی، امیر. (۱۳۸۷). تأثیر ویژگی های معلم بر سبک مدیریت کلاس. **فصلنامه تعلیم و تربیت**، ۹۳، ۱۳۶-۱۰۳.

کرسول، جان دبلیو. (۱۳۹۲). **طرح پژوهش: رویکردهای کیفی، کمی و ترکیبی** (ترجمه علیرضا کیامنش و مریم دانای طوس). تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

متقی، شکوفه؛ یزدی، سیده منوره؛ بنی جمالی، شکوه السادات؛ درویره، زهرا. (۱۳۹۳). ارتباط معلم-دانش آموز و تصمیم به ادامه یا ترک تحصیل: نقش واسطه‌ای انگیزش خود تعیین‌گری و عملکرد تحصیلی. **پژوهش در نظام‌های آموزشی**، ۸ (۲۷)، ۳۵-۵۸.

محسنیان‌راد، مهدی. (۱۳۸۸). **ارتباط شناسی**. تهران: انتشارات سروش.

محمدپور، احمد. (۱۳۹۰). **روش تحقیق کیفی: ضد روش (منطق و طرح‌ها در روش‌شناسی کیفی)**. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

Biag, M. (2014). **A Descriptive Analysis of School Connectedness the Views of School Personnel**. Urban Education.

Christensson, S. L., & Thurlow, M. I. (2004). School dropouts: Prevention considerations, interventions, and challenges. **Current Directions in Psychological Science**, 13, 36-39.

Claessens, L. C. A. Tartwijk, J. v. Want, A. C. Pennings, H. J. M. Verloop, N. den Brok, P. J. Wubbels, T. (2017). classroom, problematic ones stay inside. **The Journal of Positive teacher-student relationships go beyond the Educational Research**, 110(5), 478-493.

relating to achievement. Hattie, J. A. C. (2009). **Visible Learning: A synthesis of over 800 meta-analyses** New York: Routledge.

Knoell, C. M. (2012). **The Role of the Student-Teacher Relationship in the Lives of Fifth Graders: A Mixed Methods Analysis**. A dissertation for the Degree of Doctor of Philosophy, University of Nebraska.

Lessard, A., Poirier, M., & Fortin, L. (2010). Student-teacher relationship: A protective factor against school dropout? **Procardia-Social and Behavioral Sciences**, 2 (2), 1636-1643.

action at school, in Nordahl, T. (2010). **The student as an actor. Focus on the students learning and Norwegian**. (2nd Ed.). Oslo: Universitetsforlaget AS.

Ottosena, K. O. Goll, C. B. Sørli, T. (2017). The Multifaceted Challenges in Teacher-Student Relationships: A Experiences and Views Regarding the Dropout Rate in Qualitative Study of Teachers' and Principals' (3), 354-368. Secondary Education. **Scandinavian Journal of Educational Research**, 61 Norwegian Upper-

Pianta, R. C., Nimetz, S. L., & Bennett, E. (1997). Mother-child relationships, teacher-child relationships, and (3), 263-280. **Childhood Research Quarterly**, 12 school outcomes in preschool and kindergarten. **Early**

Soo, A. (2016). **Teacher's Perspectives on Student-Teacher Relations and Classroom Management: Strategies for Intertwining Positive Relations and Effective Management in the Classroom**. A dissertation for the degree of Master of Teaching, University of Toronto.

influence of the teacher and Whannell, R., & William, A. (2011). High school dropouts returning to study: The family during secondary school. **Australian Journal of Teacher Education**, 36(9), 21-35.